

به نام خالق تمام قصه‌های من

سفرنامه ناصرالدین شاه



به قلم ناصرالدین شاه



انتشارات صباي الوند

طهران ۱۴۰۳

سرشناسه	:	ناصرالدین قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷ - ۱۳۱۳ ق.
عنوان و نام پدیدآور	:	سفرنامه ناصرالدین شاه/ گردآوری مهناز سیدجوادجواهری
مشخصات نشر	:	تهران: صبای الوند، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	:	۳۵۲ ص مصور
شابک	:	978-622-4882-03-5
وضعیت فهرست نویسی	:	قیفا
موضوع	:	ناصرالدین قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷-۱۳۱۳ ق. -- سفرها -- اروپا
شناسه افزوده	:	سیدجواد جواهری، مهناز، ۱۳۴۴ -، گردآورنده
رده بندی کنگره	:	DSR1369
رده بندی دیویی	:	۰۷۴۵۰۹۲/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۸۰۱۵۱۰

انتشارات صبای الوند



- نام کتاب : سفرنامه ناصرالدین شاه
- ناشر : صبای الوند
- گردآوری : مهناز سیدجواد جواهری
- ویراستار : رامین موسائی
- صفحه آرا : سید الهام نصرالهی
- طراح جلد : پریسفر
- چاپ اول : ۱۴۰۳
- شمارگان : ۲۰۰ نسخه
- چاپ : پیشگامان
- بها : ۳۲۰ هزار تومان

▪ شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۸۲-۰۳-۵ ISBN: 978-622-4882-03-5

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای نشر صبای الوند محفوظ است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر روش بدون

مجوز کتبی از ناشر ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

نشر صبای الوند: طهران، شریعتی، خیابان سمیه، کوچه طباطبایی مقدم بن بست بهار پلاک ۶

تلفن: ۷۷۶۵۴۵۲۱

پست الکترونیکی:

Sabayealvand@yahoo.com

Sababook1400@gmail.com

سال ۱۲۹۰ رسید. از سال پیش همه می‌دانستند که شاه در این سال به فرنگستان مسافرت خواهد کرد. چهارماه قبل ملکم خان ناظم الملک (ناظم الدوله بعد) که به سمت سفارت مقیم، به دربار لندن مأمور شده بود دستور داشت که ضمناً با سایر دول اروپا هم مذاکره کند و قرار طرز پذیرایی شاه را با دربارهای سایر دول نیز بدهد و شرایط این پذیرایی را معین نماید. بر اثر همین مأموریت بود که در اواخر سال ۱۲۸۹ سفیر مقیمی که از طرف دولت اطریش و مجارستان به دربار ایران آمد، در روزبار حضور رسمی از طرف امپراتور اطریش و پادشاه مجارستان شاه را به رفتن به آن کشور دعوت کرد. دولت روسیه و انگلستان هم با وجود همجواری و منافعی که در ایران داشتند، از این دیدار دوستانه شاه ایران اظهار خوش‌وقتی کردند. آلمان و فرانسه و ایتالیا و عثمانی و بلژیک و حتی سوئیس هم هر یک در نوبت خود با روی گشاده برای پذیرایی شاه حاضر شدند. شاه قبلاً معتمدالدوله فرهاد میرزا عموی خود را از حکومت کردستان به تهران احضار کرد که در غیاب او با نایب‌السلطنه پسرش کار سیاست سلطنت را اداره کند.

بنابراین برعکس مسافرت‌های داخلی قبل که تا چند روزی پیش از حرکت شاه، عامه مردم از قصد مسافرت او خبری نداشتند در این

مسافرت از سال قبل همه کس می دانست که شاه به اروپا سفر خواهد کرد؛ چنان که دیدیم در لایحه قانونی پیشنهادی صدر اعظم هم اشاره به این مطلب شده بود. در حکومت مقننه البته نباید کارها در خفا صورت بگیرد و مردم با کار ختم شده مواجه شوند بلکه باید لامحاله، از رؤس مسائل آگاه باشند.

مشیرالدوله به این قصد شاه را به فرنگ می برد که ترقیات مادی و معنوی اروپا را که از اثر حکومت مقننه در کشورهای این قطعه دنیا حاصل شده است، به رأی العین مشاهده کند و از کاری که به اجرای آن تصمیم گرفته پشیمان نش ن کنند. پیشرفت و طرز اداره ممالک خارجه را ببیند و بداند که سایرین چگونه کشورداری می کنند تا وقتی که به ایران برمی گردد، به مطالبی که از در خیر و صلاح عامه پیشنهاد خواهد کرد بیشتر اهمیت بدهد.

برای محافظت پایتخت، اردوی نظامی در بیرون دروازه دولت تشکیل شد. شاه با کوکبه و اثاثه قدرت برای تودیع و اطمینان رشید خود به این اردو رفت. صدر اعظم فرمان شاه را که به عموم افسران و افراد خطاب شده بود به صدای بلند خواند.

در این فرمان، شاه مسافرت خود را به اروپا که برای بهبود و تدارک وسائل ترقی قشون از قبیل اسلحه و مهمات و مشاق و غیره است، به قشون خود اعلام و مراقبتی که در ترفیه حال افراد و افسران دارد از روی رویه یک ساله گذشته نشان می دهد. در آینده هم بهبود وضع آنها را بر ذمه خود لازم و حتم می شمارد و آنها را به نظم و انضباط توصیه می نماید. از اعتمادی که به آنها داشته و پایتخت و اسلحه و مهمات را به اطمینان آنها سپرده است تذکر می دهد. نیابت سلطنت «عم اکرم،

معتمدالدوله، و «فرزند عزیز خود» نایب‌السلطنه را در کلیه کارها و نیابت ناصرالملک را در کارهای قشونی اعلام و به آن‌ها وداع می‌کند چهاردهم صفرالمظفر ۱۲۹۰.

خلاصه در ۲۱ صفر شاه از تهران به عزم این سفر اردو بیرون زد. پرنس منچیکوف و سایر مهمانداران دولت روس در رشت شرفیاب شدند. شاه در کشتی‌هایی که مهماندارها برای بردن او و همراهانش آورده بودند قرار گرفت. مشیرالدوله در انتخاب ملتزمین شاه هم سعی کرده است که اشخاص متنفذ در این سفر همراه باشند. عزالدوله برادر شاه و اعتضادالسلطنه و محسام السلطنه و نصره‌الدوله و عمادالدوله از شاهزادگان درجه اول، آقاقلیخان ایلخان و عضدالملک و علاءالدوله که دو نفر آخری درباری شاه بودند از قاجاریه، حسنعلی وزیر فواید، مخبرالدوله، معتمدالملک از وزراء شجاع‌السلطنه و شجاع‌خان از سرکرده‌ها، امین‌الملک (امین‌الدوله) و امین‌السلطان از درباری‌ها و حکیم‌الممالک و دکتر طولوزان از اطباء جزو همراهان و باقی هم از نیمچه وزراء و نیمچه اعیان هستند. معلوم می‌شود نظر مشیرالدوله که خود نیز جزو ملتزمین است، این بوده است که گذشته از شخص شاه سایرین هم از اوضاع جهان باخبر شوند و در پیشرفت دادن کار کشور کمک‌کار او باشند.

روز چهارم ربیع‌الاول کشتی‌های حامل شاه و همراهان از ساحل انزلی لنگر کشید و شاه به حاجی طرخان و از آنجا به ساراطوف و از آنجا به راه‌آهن به مسکو و از آنجا به پترزبورگ رفت. پس از چند روز اقامت در پایتخت روسیه از راه ورشو به آلمان رهسپار شد. چند روزی در برلن اقامت کرد و ضمناً سری هم به امیرنشین‌های جزو آلمان از قبیل باد و

باویر و یکی دوجای دیگر زد و به خاک بلژیک و بروکسل عزیمت نمود و از این پایتخت به لیژ و از آنجا به دور، ساحل انگلستان و از آنجا به لندن نهضت نمود. پس از چند روز توقف از بندر پورت اسموت به کشتی فرانسه که به استقبال آمده بود نشست و از ساحل شربورگ با قطار راه آهن به پاریس آمد و بعد از چند روز اقامت به سمت ژنو رهسپار شد. پس از یکی دو روز گردش و اقامت به سمت شهر تورن پایتخت آن روزی ایتالیا حرکت و در تورن چند روزی توقف کرد. بعد به جانب میلان و از آنجا به وین پایتخت اطریش رفت و پس از چند روزی اقامت از راه سالسبورک به برنڈیزی (بندر ایتالیایی) عزیمت نمود و با کشتی‌ای که دولت عثمانی به استقبال فرستاده به جانب اسلامبول رهسپار شد. چند روز در آنجا اقامت کرد و با کشتی بحراسود را پیمود و در بندر پوطی مجدداً وارد خاک روسیه شد. از آنجا با راه آهن و کالسکه اسبی به تفلیس و باکو و از آنجا با کشتی روز چهارم رجب ۱۲۹۰ وارد انزلی گردید. در این مسافرت که حدود پنج ماه طول کشید، از طرف امپراطورها و پادشاهان و امراء و رؤسای جمهوری ممالکی که شاه به آنجا رفته حتی سویس که هیچ گونه رابطه‌ای با ایران نداشت همه گونه احترام به عمل آمده و همه جا، نشان درجه اول کشور که به پادشاهان داده می‌شد به دست رؤسای دول به شاه تقدیم گردیده است. زرنگی و متانت صدراعظم و متانت و وقار ایرانیان با اینکه تقریباً همه از آداب اروپایی بی اطلاع بوده‌اند، همه جا چراغ راه آن‌ها بوده برازندگی ایرانی را در تمام عالم منتشر کرده است. من خود از پیره ژنرال‌های روس حکایاتی شنیده‌ام که تماماً مبنی بر حس احترام و عظمت نسبت به شاه و دلیل آداب دانی و نجابت همراهان اوست. این سفر به خوبی بر اروپاییان ثابت

کرد که درباره ایران نباید از روی کتاب الف لیله و حاجی بابا و افسانه‌های محمدرضا بیک سفیر شاه صفوی قضاوت کرد. ایرانی‌ها مردمانی با حیثیت و آبرومند و نجیب و دارای ملکات فاضله هستند و بزرگمنش می‌باشند. شاه هم الحق در تمام موارد حق نمایندگی یک ملت کهنسال با حیثیت را به خوبی ادا می‌کرده است.

از عبدالله مستوفی